

در داستان شوستر به روشنی این نکته چشم گیر بود که: انجام هر گونه اصلاحاتی در ایران پس از مشروطه نیز، در گرو موافقت قدرت های جهانی ست! طرح دو تز موازنه مثبت و منفی، بی ارتباط با این نکته نبوده است. اینک هر چند نمی توان به شرح این نکته پرداخت، نمونه ای از نسخه نویسی های رایج در این زمینه را - در روزگار پهلوی ها - می توان از نگاه گذراند. این نمونه را از آن رو آورده ام که بی ارتباط با داستان شوستر نیست.

خطر ایران

یگانه راه حل این مسأله خطرناک^(۱)

آندره ویسون، ترجمه عبدالحسین چوبین

... با احساس فشار روسیه و بدگمانی دیرینی که ملت ایران از انگلیس ها دارد ایرانی ها به طرف آمریکایی ها مانند آخرین امید نگاه می کنند.

... وضعیت سیاسی فعلی ایران نمی تواند زیاد دوام بیاورد زیرا هم برای ایران خطرناک است، هم برای انگلستان، هم برای روسیه و هم برای آمریکا که عجالتاً وارد این صحنه غم انگیز است.

... مسأله ی ایران فقط یک راه حل دارد که خیلی مشکل است ولی محال نیست اگر این راه حل عملی نشود بر سر مسأله ایران آن چنان اختلاف شدید و تصادفی روی خواهد داد که دولت آمریکا نمی تواند آن را نادیده انگارد...

در ایران زمینه اختلاف از هر حیث مساعد است. در این کشور خاور نزدیک که در سر راه مهم‌ترین راه‌های تجارتي قرار گرفته و دارای منابع زر خیز نفتی و فلزات است در همین کشور است که منافع بریتانیای کبیر و دولت اتحاد جماهیر شوروی با هم اصطکاک پیدا می‌کنند و نتایج این اصطکاک اکنون در آمریکا نیز که از آن کشور مسافت بسیار دارد احساس گردیده است. بریتانیای کبیر می‌خواهد عملیات خود را در چاه‌های نفتی واقع در ایالات جنوبی ایران که متعلق به انگلستان است توسعه دهد و راه ارتباط و مواصلات خود را از ایران به هندوستان حفظ نماید، دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز می‌خواهد از نفت ایران و کانهای آن و همچنین به یک بندر آب گرم در کرانه خلیج فارس دست یابد به علاوه از راه‌های ایران برای ترانزیت کالا از آسیای مرکزی و بالعکس استفاده نماید.

دولت آمریکا در این میان امتیاز خاصی نمی‌خواهد ولی ایرانیان مایل اند آمریکایی‌ها در ایران بمانند.

ایران که در گذشته آن را «پرشیا» می‌نامیدند دارای مساحتی بیش از ۶۲۸۰۰۰ مایل مربع می‌باشد که قسمت عمده آن از سنگ و شن پوشیده شده و جمعیت آن در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ تخمین زده می‌شود که ۲ میلیون آن‌ها بادیه نشین می‌باشند.

سطح زندگی اکثر مردم بسیار پست می‌باشد و به همین دلیل نمی‌توانند خریدار عمده کالاهای آمریکایی باشند و واردات آمریکا از ایران عبارت است از فرش، پوست بره و خاویار، و موی بز که برای آمریکایی‌ها جزء کالاهای حیاتی نیستند، می‌باشند. با تمام اینها آمریکا در آن چه که در این سرزمین دور افتاده و لم یزرع اتفاق می‌افتد با نظر علاقه می‌نگرد، زیرا مناطق امنیت انگلستان و شوروی که دارای صفات مشترک هستند، در این کشور قرار دارند.

متجاوز از یک قرن است که انگلیس‌ها با نگرانی زیاد از نفوذ روس‌ها در ایران جلوگیری کرده‌اند ولی فشار شوروی امروز فوق العاده شدید است و حدود تسلیم بیشتر از آن است که انگلستان بتواند تحمل نماید. اگر دولت شوروی در تندروی خیلی

افراط کند شاید به زحمت بشود از وقوع یک تصادم جلوگیری نمود، تصادمی که آمریکا نباید آنی از آن غفلت ورزد.

ایرانی‌ها از دیر باز از وقوع جنگ بین دو دولت معظم هراسناک بوده‌اند زیرا به خوبی می‌دانسته‌اند که دولت غالب ایران را خواهد خورد، از طرف دیگر ایرانی‌ها از این که بین این دو دولت یک توافق کاملی به عمل آید بیم ناک و مضطرب هستند زیرا می‌ترسند که این توافق بالمآل تقسیم کشورشان را در بر داشته باشد.

یکی از شعرای ایرانی در قرن نوزدهم چنین می‌گوید: «هنگامی که شیر انگلستان و خرس روسیه با هم حرکت کنند آن وقت است که سرنوشت ایران نامعلوم خواهد بود.»

شیر و خرس در حقیقت در سال ۱۹۰۷ این حرکت را آغاز کردند، به این ترتیب که اعلام نمودند که آنها موافقت نموده‌اند امنیت و استقلال ایرانی محترم شمرده شود ولی فی الواقع این دو، کشور ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کرده بودند. منطقه شمالی تحت نفوذ روسیه و منطقه جنوبی با چاه‌های زرخیز نفت تحت نظارت و نفوذ انگلیس و قسمت مرکزی مملکت هر دو کشور موافقت کردند آزاد گذارده شود...

این ترتیب در سال ۱۹۱۷ در اثر وقوع انقلاب روسیه واژگون گردید و نیروهای دو دولت در ایران با هم مواجه شده و با هم زد و خورد نمودند.

در میان این زد و خورد و مبارزه ستاره بخت (پرشیا) بار دیگر به نام باستانی خود (ایران) طلوع کرد و سرباز رشیدی به نام (رضا خان) به تخت سلطنت جلوس کرد - رضا شاه با زیرکی بسیار روس و انگلیس را به جان یکدیگر انداخت و تا سال ۱۹۴۰ طوری شد که ملت ایران تحت رهبری او در جاده‌ی استقلال سیاسی و اقتصادی پیش می‌رفت.

حمله هیتلر به روسیه بار دیگر خرس و شیر را بر آن داشت که این دفعه حرکت خود را با هم آغاز نمایند. سپاهیان روسی و انگلیسی در ماه اوت ۱۹۴۱ به این کشور حمله ور شده و در عرض سه روز قوای ایرانی را درهم خرد کردند. رضا شاه به جزیره موریس تبعید شد و پسرش محمد رضا به جانشینی او در کشوری که به وسیله‌ی

سربازان روسی و انگلیسی اشغال و تقسیم گردیده بود نشست. نقشه روسیه این بود که راه عقبی چاه‌های نفت باکو را در مقابل حمله آلمان مسدود نمایند و همچنین راهی جهت حمل مهمات آمریکایی به روسیه در سرتاسر ایران تأسیس کند.

منظور انگلستان این بود که اطمینان حاصل نماید که حضور نیروی شوروی در قسمت‌های شمالی ایران منافع بریتانیا را در خلیج فارس به مخاطره نخواهد انداخت. انگلیسی‌ها و روس‌ها تعهد کردند که ایران در شش ماه بعد از خاتمه جنگ با آلمان و هم‌دستان او از نیروهای خود تخلیه نمایند.

این تعهد که در سال ۱۹۴۱ به عمل آمده بود در سال ۱۹۴۳ یعنی در پایان کنفرانس تهران بار دیگر در اثر پیش قدمی آمریکا تأکید گردید.

وامضای پرزیدنت روزولت که با امضاها‌ی استالین و چرچیل همراه بود علناً علاقه آمریکا را به حفظ استقلال ایران نشان می‌دهد.

در پوتسدام تخلیه مقدماتی تهران از نیروهای انگلیسی و آمریکایی بار دیگر تأیید گردید. در حقیقت موضوع استقلال ایران به حال تعطیل در آمده بود، زیرا پنج استان شمالی را که انبار غله ایران نامیده می‌شوند به وسیله روس‌ها اداره می‌شود و روس‌ها سرحد این پنج ایالت را بر مسافرین بسته و آنها را کاملاً جدا ساخته‌اند و حتی مأمورین وصول مالیات‌های دولتی حق ندارند به آن جا بروند و حمل خواربار را از این ایالت به استان‌های فحطی زده‌ی جنوب ایران که تحت کنترل انگلیسی‌ها می‌باشد جداً ممنوع ساخته‌اند و همین کار سبب شده مقادیر هنگفتی آذوقه و ثروت در شمال متمرکز گردد. مقایسه‌ی اقتصادی در منطقه کنترل انگلستان در جنوب کاملاً نامساعد است.

از این گذشته در عین حال که انگلیسی‌ها نمی‌توانند عادت دیرین خود را که عبارت است از پست نگاه کردن به مردم ایران از خود دور سازند. روس‌ها با ایرانی‌ها بطور تساوی رفتار می‌نمایند و برای اثبات این موضوع و تعمیم این فکر در میان طبقات ایرانی روس‌ها در استفاده از برنامه‌های رادیویی و تبلیغاتی به وسیله‌ی مطبوعات و نمایش‌های سیار افراط می‌کنند.

حداکثر این تبلیغات به وسیله حزب توده صورت می‌گیرد که یکی از احزاب سیاسی جدید طرفدار شوروی و مرکب از عناصر کمونیست و دست چپی می‌باشد. حزب توده به تقسیم اراضی وسیع ما بین کشاورزان ایرانی اصرار می‌ورزد و از تقاضای روس‌ها دایر به امتیاز نفت جداً طرفداری می‌نماید.

در پاییز سال گذشته این طرفداری منجر به تظاهرات و نمایشاتی از طرف حزب مزبور در خیابان‌های تهران گردید و بین این حزب و دستگاه‌های تبلیغاتی و مطبوعاتی روسیه در مورد حمله به دولت ایران هم آهنگی زیادی دیده می‌شد و در نتیجه دولت مجبور به استعفا گردید.

با احساس فشار روسیه و بدگمانی دیرینی که این ملت از انگلیس‌ها دارد، ایرانی‌ها به طرف آمریکایی‌ها مانند آخرین امید نگاه می‌کنند.

در سال ۱۹۰۷ هنگامی که تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ انگلیس و روس صورت گرفت و افکار عامه آمریکا جداً این عمل را انتقاد کرد و از آن بدگویی کرد ایرانی‌ها پی بردند که در میان دولت‌های بزرگ دارای دوست صادق و تازه‌ای هستند و به همین جهت اولین باری که خواستند اوضاع مالی کشور خود را سر و صورتی دهند، دست کمک به جانب این دولت دراز کردند و در سال ۱۹۱۱ بنا به تقاضای دولت ایران هیأتی مالی به ریاست مورگان شوستر به ایران اعزام گردید، ولی روس‌ها و انگلیس‌ها فکر کردند چنان چه میسیون شوستر موفق گردد، نقشه‌های آنان در باره ایران دچار تعویق و تعطیل خواهد شد و به همین جهت روس‌ها بنا به صلاح دید انگلیس‌ها اولتیماتومی دایر به خارج ساختن هیأت مالی شوستر از ایران تسلیم دولت ایران نمودند و در همین حال سپاهیان روسی از مرز عبور کرده و هیأت شوستر ناچار از ایران خارج و به سمت آمریکا حرکت کرد.

در سال ۱۹۲۲ بار دیگر دولت آمریکا بنا به تقاضای دولت ایران میسیون دیگری به ریاست دکتر آرتور. ث. میلیسپو به ایران فرستاد. هیأت مزبور مدت پنج سال در ایران متوقف شد و به اوضاع مالی ایران سر و صورتی داده و تجدید سازمان مهمی در آن به

عمل آورد.

هنگام اشغال ایران در سال ۱۹۴۱ به وسیله‌ی قوای انگلیسی و شوروی ایرانی‌ها باز هم متوجه واشنگتن شده و برای سومین بار از دولت آمریکا تقاضای اعزام میسیون‌های زیادی کردند.

دکتر میلیسپو برای دفعه دوم با اختیارات مالی و اقتصادی نامحدود که در خور یک دیکتاتور است به ایران رفت.

سرلشگر کلارنس س ریدلی در رأس میسیون کارشناسان نظامی برای تجدید سازمان ارتش ایران و سرهنگ هانورمان شوارتسکف رئیس سابق پلیس ایالت نیوجرسی برای تشکیل امنیه‌ی آن کشور به ایران اعزام گردیدند. به علاوه سایر مستشاران آمریکایی اداره امور نفت، کشاورزی، آبیاری و بهداشتی را به عهده گرفتند و حتی بعضی از آمریکایی‌ها بدون دعوت دولت ایران به آن کشور شتافتند. این آمریکایی‌ها عبارتند از نیروهای نظامی فرماندهی خلیج فارس ولی تنها علت حضور آنها در ایران نظارت دقیق بر جریان سیل مهمات وام و اجاره به روسیه می‌باشد و بس. هنگامی که جنگ اروپا به پایان رسید ایران از انگلستان و دولت شوروی درخواست کرد به تعهد خود رفتار کرده و قشون خود را بعد از شش ماه از ایران خارج سازند.

آمریکایی‌ها تا این موقع از ایران خارج شده بودند ولی مسکو خاطر نشان ساخت که شش ماه بعد از شکست آلمان و هم دست‌ان او باید صورت بگیرد و اظهار داشتند که قوای شوروی تا شکست قطعی ژاپن نمی‌تواند ایران را ترک گوید. از طرف دیگر تا زمانی که قوای شوروی در ایران هستند انگلیس‌ها از آن کشور خارج نخواهند شد.

در این گیرودار اوضاع سیاسی ایران روز به روز به وخامت می‌گروید و دولت به سرعت برق قدرت و اختیار معمولی خود را از دست می‌دهد. این وضعیت نمی‌تواند زیاد دوام بیاورد زیرا هم برای ایران خطر ناک است هم برای انگلستان و هم برای روسیه و هم برای آمریکا که عجلتاً وارد این صحنه غم‌انگیز است.

تنها راه جلوگیری از پیش آمدهای غیر مترقبه یک راه است که گرچه خیلی مشکل

است اجرای آن امکان‌پذیر می‌باشد.

این راه حل دارای دو جنبه اخلاقی و عملی می‌باشد و از طرف دیگر کلیه تقاضاهای مشروع بریتانیا و روسیه را به طرز رضایت بخشی تأمین می‌نماید. به این شرح:

۱- از دولت شوروی تقاضا شود تا برای ترتیب مرضی الطرفین امور امتیازات نفت خاور نزدیک با انگلستان و آمریکا همکاری نماید.

انگلیس‌ها توانستند عملیات نفتی خود را در ایران مستقلاً توسعه دهند. بنابراین هیچ دلیلی در دست نیست که روس‌ها از این حق محروم گردند بدون این که در منافع دیرین بریتانیا دخالتی بنمایند.

۲- تأسیس بندرگمرکی آزاد در خلیج فارس با حق استفاده از راه آهن ایران از روسیه و بالعکس برای دولت اتحاد جماهیر شوروی این موضوع منافع اقتصادی مشروع شوروی را تأمین نموده و راه‌های بازرگانی انگلیس را به مخاطره نخواهد انداخت. ۳- سه دولت معظم باید موافقت نمایند که ایران مستقل باشد. زیرا یک ایران مستقل و خالی از دخالت و قشون خارجی بر خلاف آن چه که مورد سوء ظن زیاد است، انگلستان و شوروی را تهدید نخواهد ساخت.

بنابراین به عهده آمریکا است که در این راه پیشقدم گردد و با دعوت انگلستان و شوروی طرح چنین موافقتی را پی‌ریزی نماید. این موافقت باید در درجه اول متکی بر استقلال ایران باشد و در غیر این صورت یعنی اگر آمریکا چنین کاری نکند بر سر مسأله ایران اختلاف شدید و تصادم سختی روی خواهد داد، اختلاف و تصادمی که دولت آمریکا نمی‌تواند آن را نادیده انگارد.



بالا نمایندگان مجلس و مدرس - پایین میرزا ابوالقاسم ناصرالملک